

اسماعیل نساجی زواره

## آسیب‌شناسی فهم صحیح آیات قرآن

### آغازین سخن

تمام انسان‌ها، امکان فهم و بهره‌مندی از آن برای همگان میسر است؛ لذا اهل بیت علیهم‌السلام در سیره خود عموم مردم را به بهره‌گیری از آیات این کتاب فراخوانده‌اند و برای آن که مبادا افراد نسبت به قرآن دچار سوء فهم شوند، با تعابیر گوناگون نسبت به آفت‌ها و آسیب‌های این کتاب هشدار داده‌اند.

ایسن نوشتار درصدد است آسیب‌هایی را که مانع فهم آیات الهی می‌شود، به قرآن‌پژوهان گوشزد نماید تا قرآن کریم آنگونه که شایسته است، مورد فهم و تبیین قرار گیرد.

قرآن کریم کتابی است جهانشمول که به منظور هدایت تمام انسان‌ها از سوی خداوند عالی و حکیم بر پیامبر هادی و امین صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شده است و به گونه‌ای با مردم سخن می‌گوید که همگان از فهم آن بهره و نصیبی دارند.

پروردگار سبحان به منظور جذب تمام مردمی که در پهنه زمین و گستره زمان به سر می‌برند، آن را کتابی آسان و قابل فهم معرفی می‌کند: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ»<sup>(۱)</sup>.

آسان بودن قرآن بدین معنا نیست که کتابی سبک و بی‌مغز است، بلکه در عین داشتن مطالب عالی و جامع، به علت هماهنگی و سازگاری با فطرت

تفسیر به رأی

غفلت از روایات

اولین عامل آسیب‌زا در فهم صحیح آیات قرآن «تفسیر به رأی» است؛ یعنی قرآن پژوه بدون توجه به گفتار و روایات معصومین علیهم‌السلام، پیش‌داوری‌ها و آرای خود را اساس کار قرار دهد و آیات متشابه را بر اساس آن تفسیر و تطبیق کند و در حقیقت شاگرد قرآن نباشد، بلکه معلّم قرآن باشد و نظریات خود را بر قرآن تحمیل کند که اینگونه تفسیر یک نوع تحریف معنوی قرآن محسوب می‌شود. تفسیر به رأی اگر نتیجه‌اش هم درست باشد، کاری خطاست<sup>(۱)</sup>.

مرحوم علامه طباطبائی رحمته‌الله، حقیقت تفسیر به رأی را اینگونه بیان می‌کند: «اعتقادی که از روی اجتهاد و تلاش به دست می‌آید و یا از روی هوی و هوس برای انسان حاصل می‌شود، «رأی» نام دارد و تفسیر به رأی آن است که انسان بخواهد با همان قواعد و اصولی که کلام دیگران را بررسی می‌کند، آیات الهی را نیز همان‌گونه بررسی نماید»<sup>(۲)</sup>.

دومین عاملی که مانع فهم صحیح آیات قرآن می‌شود، غفلت از روایات است. به دلیل پیوندی که پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام با قرآن دارند، سخنان آن بزرگواران همواره مورد استفاده مفسران و قرآن‌پژوهان بوده است؛ بنابراین عدم آگاهی از روایات معصومین علیهم‌السلام یا عدم استناد به آنها در تفسیر خود یکی از آسیب‌های بزرگ فهم صحیح قرآن است؛ زیرا در بسیاری از موارد بدون توجه و تمسک به روایات، مقصود و مراد واقعی آیات برای قرآن پژوه روشن نخواهد شد.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: شخصی نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمد و عرض کرد: یا رسول‌الله! شب جنب شدم و آبی برای غسل کردن نداشتم. حضرت فرمود صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: پس چه کردی؟ عرض کرد: بر روی خاک غلتیدم. حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: این کار درازگوشان است؛

۱. دانش‌نامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد

عادل، ج ۷، ص ۶۲۵.

۲. تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ج ۳، ص ۷۶.

خداوند متعال می فرماید: «... فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً...»<sup>(۱)</sup>. آنگاه پیامبر ﷺ دستانش را بر زمین زد و تیمم کرد<sup>(۲)</sup>. و بدین گونه تیمم را تفسیر کرد.

حال کلامی متصل و مربوط به یکدیگر هستند؛ یعنی برخی از آیات، برخی دیگر را توضیح می دهد؛ بنابراین راه صحیح فهم کلام الهی تدبیر و ملاحظه آیات مربوط به یک موضوع است.

راستی! اگر به چنین روایتی از امام باقر علیه السلام توجه نمی کردیم، چگونه این آیه شریفه را معنا می کردیم؟ همچنین وقتی لفظ قرآنی بین دو یا چند معنا مشترک باشد و مراد واقعی را نتوانیم تشخیص دهیم، برای روشن شدن آیه ناچاریم به قول پیامبر ﷺ یا امامان معصوم علیهم السلام تمسک جوئیم.

اعتقادی که از روی اجتهاد و تلاش به دست می آید و یا از روی هوی و هوس برای انسان حاصل می شود، «رأی» نام دارد و تفسیر به رأی آن است که انسان بخواهد با همان قواعد و اصولی که کلام دیگران را بررسی می کند، آیات الهی را نیز همان گونه بررسی نماید

یکی از مهم ترین ویژگی های قرآن این است که نمی توان آیات آن را بریده از آیات دیگر تفسیر و معنا کرد. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «.. أَنَّ الْكِتَابَ يُصَدَّقُ بَعْضُهُ بَعْضاً وَ أَنَّهُ لَا اخْتِلَافَ فِيهِ. فَقَالَ سُبْحَانَهُ: (وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافاً كَثِيراً...)<sup>(۳)</sup>؛ بعضی از آیات قرآن بعضی دیگر را تأیید و تصدیق می کند و اختلافی در آن

بی توجهی به آیات دیگر

آیات الهی اگرچه کلماتی جدا و منفصل از یکدیگر هستند، ولی در عین

۱. نساء، ۴۳.  
 ۲. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، ج ۱، ص ۲۴.  
 ۳. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۸، ص ۶۴.

۴۸۵۷

آورده است. آیات قرآن اگر به صورت جمعی و در کنار یکدیگر فهمیده شوند، معنا و مفهوم روشن و جامعی را افاده می‌کنند.

محققان و مفسران بزرگ در این زمینه می‌فرمایند:

«برخی از آیات که به حسب فکر ابتدایی انسان مبهم به نظر می‌رسد، آیات دیگر را روشن می‌کنند. قرآن کریم نوری است که برخی از آیاتش در پرنوری مانند خورشید و برخی چون ماه و برخی مانند ستارگان است؛ آیات پرفروغ‌تر قرآن آیات کم‌فروغ را روشن‌تر می‌سازد و همگی در کنار هم فضای کاملاً روشنی را برای هدایت انسان به ارمغان می‌آورند»<sup>(۳)</sup>.

بی‌توجهی به قوانین تفسیر

بدون تردید هر متن دینی و علمی؛ اصول، اصطلاحات و زبان خاص خود را داراست و در نظر نگرفتن آن اصول و

نیست. پس خداوند سبحان فرمود: اگر قرآن از طرف غیر خدا نازل شده بود، اختلافات زیادی در آن می‌یافتند.

روایت شده است که امام جواد علیه السلام در تفسیر قطع دستان دزد و کیفیت آن در آیه شریفه «وَ السَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا ایدیَهُمَا...»<sup>(۱)</sup> فرمود: قطع دست باید از بیخ مفصل انگشت باشد و کف دست رها گردد. وقتی علت را جویا شدند، آن حضرت علیه السلام به فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله تمسک جست که می‌فرماید: سجده بر هفت عضو صورت می‌گیرد: پیشانی، دو دست، دو زانو و انگشتان بزرگ پا. اما هنگامی که دست از مچ یا آرنج قطع شود، دستی برای سارق باقی نمی‌ماند تا با آن سجده کند؛ در حالی که خدای متعال فرموده است: «وَ اِنَّ الْمَسَاجِدَ لِلّٰهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللّٰهِ اَحَدًا» منظور از «مساجد» در این آیه، اعضای هفتگانه سجده است<sup>(۲)</sup>.

به هر حال اگر کسی یک آیه از قرآن را فهمید ولی به آیات دیگر توجه نکرد، نه تنها به عمق معنای آیه اول نرسیده، بلکه مفهوم نادرستی از آیه را به دست

۱. مانند، ۳۸.

۲. جن، ۱۷ - سیره پیشوایان، مهدی پیشوائی، ص ۵۵۰ - ۵۵۱

۳. تفسیر موضوعی قرآن در قرآن، آیت الله جوادی آملی، ج ۱، ص ۳۹۵.

فالعده درياله به، بالتل نيا حل  
و، هـ شغل نال خفته روي هـ ب رديله  
به، رشتفيمه رشتوب روله هـ به  
هـ بفتل ان لغتسه نال الخنبله در رهنه  
ملناره.

ايچ ملش باله <sup>بختاره</sup> له وله اغا  
ايچ نأية تليا، و، ملناره نال هـ به  
بشيب بالتل نيا رختل د، مشر  
ايچ: «هـ به <sup>بختاره</sup> ت بخت نأ؟ مشر  
نالون رايه ان نأ رالع و رايه رايه  
نويچ و، هـ لغتسه رايه و، هـ و تقوه  
نالون به، دستا رايه و رايه  
روي له و، هـ ولما ع نأ، و دستا ملنجه  
»<sup>(١)</sup> استسا هـ بخت و نويچ ته ليه

و رايه و دستا رايه نأية نيا ايچ  
ملناله هـ نيا و متشغل به هـ رايه  
و، هـ رايه نأية هـ مشر و قبلخه ناله  
ناون نالون نالونه رايه رايه رايه  
هـ رايه نأية ملناره نويچ ان رايه  
رايه نأية ناله رايه نأية نأية  
ان رايه نأية ناله نأية نأية  
ان رايه نأية ناله نأية نأية  
هـ به لي ملناره رايه رايه رايه

٥١، ٥٢، ٥٣، ٥٤، ٥٥، ٥٦، ٥٧، ٥٨، ٥٩، ٦٠، ٦١، ٦٢، ٦٣، ٦٤، ٦٥، ٦٦، ٦٧، ٦٨، ٦٩، ٧٠، ٧١، ٧٢، ٧٣، ٧٤، ٧٥، ٧٦، ٧٧، ٧٨، ٧٩، ٨٠، ٨١، ٨٢، ٨٣، ٨٤، ٨٥، ٨٦، ٨٧، ٨٨، ٨٩، ٩٠، ٩١، ٩٢، ٩٣، ٩٤، ٩٥، ٩٦، ٩٧، ٩٨، ٩٩، ١٠٠

ملها به نته نأ اغا رايه نأية له ليه  
نويچ به نأية نأية هـ و هـ  
دب به ت ليه و نالون رايه هـ  
و نالون به هـ رايه رايه  
رأية و مله رايه نأية نأية  
ملها به له نأية نيا هـ رايه  
هـ و هـ و هـ و هـ و هـ  
هـ و نأية رايه رايه و هـ  
هـ.

نأية، رايه رايه اغا

نأية هـ رايه رايه اغا  
رايه رايه رايه رايه رايه  
نأية تليا هـ لغتسه رايه  
رايه نالون، و رايه رايه  
رايه له بالتل نيا هـ دستا هـ  
ت، لغتسه رايه هـ ان رايه  
هـ رايه نأية رايه.

بباله و لغتسه نأية رايه  
رايه رايه ان نأية هـ نأية  
رايه رايه و هـ رايه  
نأية رايه رايه رايه  
نأية رايه رايه رايه  
هـ رايه نأية رايه رايه

٤٨٥٧

می‌دهد یا می‌ترساند، کسانی را که با آن صفات متصف هستند در هر زمان و در هر مکان که باشند، شامل می‌شود.

### نقل‌های تاریخی بی‌اساس

یکی دیگر از عوامل آسیب‌زا در فهم

صحیح آیات قرآن، نقل‌های تاریخی بی‌اساس است. کم‌تر پژوهش‌گری است که نداند تعدادی از تفاسیر گذشتگان آمیخته با خرافات و نقل‌های تاریخی بوده است؛ نقل‌هایی که ریشه در بینش و اندیشهٔ یهود دارد و هیچ مأخذ معتبر اسلامی برای آن نمی‌توان یافت، کافی است محورهای تاریخی چندی را همچون: داستان آفرینش آسمان و زمین، خلقت آدم، سرگذشت انبیاء و... که بستر روایات اسرائیلی است در نظر بگیریم، سپس به بعضی از تفاسیر اسلامی همچون: طبری، قرطبی، ثعالبی و...

مراجعه کنیم تا دریابیم که تا چه حد نقل‌های تاریخی اسرائیلی در درون تفاسیر اسلامی رخنه کرده است. تفاسیر اهل سنت به لحاظ تکیه و استناد به آرای صحابه، بیشتر در معرض چنین ناهنجاری قرار گرفته است. خوشبختانه

مفسران و قرآن‌پژوهان عصر حاضر و قرن اخیر هر یک به تناسب و اقتضای سبک و روشی که برگزیده‌اند، با تیغ جرح و تعدیل به نقد روایات اسرائیلی رفته و بر نقش منفی این روایت‌ها بر اندیشهٔ مفسر و نیز تفسیر

از امام صادق علیه السلام سؤال شد چرا هرچه زمان می‌گذرد و آیات قرآن تکرار می‌شود، تازگی این کتاب بیشتر می‌شود؟ آن حضرت علیه السلام فرمود: «زیرا خدای تبارک و تعالی آن را برای زمان موقت و مردم خاصی نفرستاده و چون همیشگی و همگانی است، در هر زمان جدید است و در نزد تمام مردم تا روز قیامت شیرین و پر جاذبه است»

آیات انگشت گذاشته‌اند.

### جمود فکری و تنگ‌نظری

فهم صحیح قرآن و مسائل دین نیازمند وسعت نظر، ژرف‌اندیشی و عقلانیت است. در مقابل، تنگ‌نظری و جمود، آفت دین و فهم قرآن است.

نگاهی به تاریخ اسلام، نقش شایان توجه این عامل را در رشد یا انحطاط مسلمانان نشان می‌دهد. فرقه‌های ظاهرگرا عمدتاً گرفتار این آفت فکری بودند.

خوارج، «عبدالله بن خباب» را به جرم این که با آنان هم‌عقیده نبود و حضرت علی علیه السلام را آگاه‌ترین مردم به خدا معرفی کرده بود، به شهادت رساندند. سپس همسرش را که حامله بود کشتند و شکم او را دریدند و فرزندش را سر بریدند. در این هنگام یکی از خوارج یک دانه خرما را که بر زمین افتاده بود، برداشت و در دهان گذاشت. دوستانش به او اعتراض کردند که چرا چنین کار حرامی را مرتکب شدی<sup>(۱)</sup>. اینگونه افراد، طبعاً قرآن را نیز

با همان جمود فکری تفسیر می‌کردند. در میان عقیده غلات شیعه و اخباریان نیز نمودهای این جمود فکری قابل ملاحظه است. غلات مفهوم حب ائمه علیهم السلام را بد تفسیر کردند و به دام شرک و کفر افتادند و اخباریان به خاطر بی‌توجهی به نقش زمان و مکان در برداشت از مفاهیم قرآنی دچار رکود شدند.

### کاربرد گرایش‌های مادی

یکی دیگر از عوامل مادی آسیب‌زا در فهم آیات قرآن، گرایش مادی در تفسیر آیات است؛ یعنی توجیه برخی مفاهیم معنوی به وسیله پدیده‌های مادی است. در این گرایش آیات براساس ذهنیت برگرفته از واقعیت‌های مادی روشن می‌شود و هیچ‌گونه معیار قرآنی و روایی به رسمیت شناخته نمی‌شود. به همین جهت اینگونه تفسیر یکی از نمونه‌های آشکار تفسیر به رأی به شمار می‌رود.

تفسیر «سید احمد خان هندی» به

۱. تاریخ کامل، ابن اثیر، ج ۳، ص ۳۴۱ - ۳۴۲.

خضوع نداشته باشند، من قلب‌هایشان را از درک معارف دینی منصرف می‌کنم. سپس می‌فرماید: «... ثُمَّ انْصَرَفُوا فَصَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ...»<sup>(۳)</sup>؛ چون [به علت ضعف درونی] از آیات الهی روی‌گردان شدند، خداوند دل‌های آنان را از ادراک مفاهیم قرآن منصرف کرده.

چنین گروهی نه قرآن را می‌فهمند و نه بر فرض فهمیدن، از آن بهره‌مند می‌شوند. آنان همیشه در فکر متاع زودگذر هستند. قرآن کریم به همه انسان‌ها هشدار می‌دهد که اگر غرق در امور مادی باشید، جان پاک خود را در طبیعت دفن کرده و خسران دیده‌اید. اگر کسی عقل خود را در غرایز و اغراض طبیعی دفن کند، منبع الهام درونی و تشخیص حق و باطل و تقوا را دفن کرده است؛ بنابراین هیچ‌گاه نمی‌تواند معارف بلند قرآن کریم را بفهمد<sup>(۴)</sup>.

نام «تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان» نمونه آشکار این جریان است و شاید این تفسیر نخستین تفسیری باشد که به این گرایش دامن زده است و خوانندگان را از دریافت مفاهیم واقعی آیات قرآن محروم ساخته است.

به عنوان مثال: تفسیر وحی به بازتاب ژرف‌نای روح پیامبر ﷺ توجیه واقعیت‌های درک‌نشده‌ی بهشت و جهنم، تفسیر شکافته‌شدن دریا در داستان موسی ﷺ به جزر و مد و... نمونه‌هایی از آن است<sup>(۱)</sup>.

غرور علمی و خود برتربینی عدم آگاهی و علم نسبت به مفاهیم دینی و قواعد آن، آخرین عامل انحراف از مسیر فهم قرآن محسوب می‌شود که در این نوشتار به آن اشاره می‌شود.

در آیات قرآن از جهل و تکبر به عنوان مهم‌ترین موانع معرفت‌شناسی نام برده شده است. خداوند سبحان می‌فرماید: «سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ...»<sup>(۲)</sup>؛ کسانی که عمداً تکبر کنند و در برابر حق

۱. تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان، سید احمد خان هندی، ترجمه محمد تقی فخر داعی گیلانی، ج ۱، ص ۶۰.  
 ۲. اعراف، ۱۴۶. ۳. توبه، ۱۲۷.  
 ۴. تفسیر موضوعی قرآن در قرآن، ج ۱، ص ۳۶۵.